

النهضة المصرية، ۱۹۵۶م؛ الكامل فی التاريخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۳۰ق)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المعجم الكبير: الطبرانی (م. ۳۶۰ق)، به کوشش حمدي عبدالمجيد، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ المغازی: الواقدي (م. ۲۰۷ق)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

سید محمد مهدی حسین پور



ابوذر غفاری: از نخستین مسلمانان و

جانشین پیامبر ﷺ در برخی غزوها

جندب / بُریر بن جُنَادَة بن کُعَیب بن صُعَیر، معروف به ابوذر غفاری^۱ از صحابه بزرگ رسول خدا ﷺ^۲ از قبیله بنی غفار* بود. بنی غفار از تیره بنی کنانه از عرب عدنانی و ساکنان اطراف مکه بودند^۳ که در فتح مکه با

(م. ۲۷۹ق)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۰ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البداية و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ سبیل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ شرف النبی: ابوسعید واعظ خرگوشی (م. ۴۰۶ق)، به کوشش روشن، بابک، ۱۳۶۱ش؛ صحیح مسلم بشرح النووی: النووی (م. ۶۷۶ق)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ق)، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ق)، به کوشش صلاح الدین، قاهره،

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۴۷.

۳. جمهرة انساب العرب، ص ۴۶۶؛ معجم قبائل العرب، ج ۳،

۳۰۰ نفر^۱ و در حنین با ۱۰۰۰ نفر^۲ پیامبر را یاری دادند و ایشان با آنان پیمان دفاعی داشت^۳ و آنان را در کنار انصار و چند قبیله دیگر، دوستان و هواداران خود می‌دانست^۴ و برای سکونتشان بخشی از مدینه را اختصاص داد.^۵

از زندگی پیش از اسلام ابوذر آگاهی چندان در دست نیست. بر پایه روایتی، در جاهلیت شبانی می‌کرد^۶ و دلیرانه یک‌تنه در برابر کاروانی می‌ایستاد.^۷ سه سال پیش از پذیرش اسلام، خدای یگانه را می‌پرستید و نماز می‌گزارد و از بت‌ها دوری می‌جست.^۸ بر پایه گزارش‌هایی، آیه ۱۷ زمر/۳۹ در مدح او و دو تن دیگر نازل شده است که در جاهلیت نیز از بت‌پرستی دوری می‌کردند.^۹ وی پنجمین فردی بود که اسلام آورد.^{۱۰} برخی او را چهارمین مسلمان دانسته‌اند.^{۱۱} بر همین

اساس او را از سابقان در اسلام شمرده‌اند.^{۱۲} داستان اسلام آوردن او را گوناگون^{۱۳} و حتی پس از رخدادی اعجاز‌آمیز^{۱۴} یاد کرده‌اند. مشهور است که چون خبر بعثت پیامبر ﷺ را شنید، برادرش را برای خیریبایی به مکه فرستاد و پس از شنیدن سخن او، خود به مکه آمد و پس از تحمل سختی و برخورد با دشمنان اسلام، پیامبر گرامی ﷺ را دیدار نمود و اسلام آورد.^{۱۵} او با پیامبر بیعت کرد که در راه خدا از ملامت هیچ سرزنش کننده‌ای نهراسد و حق بگوید، هر چند تلخ باشد.^{۱۶}

پیامبر ابوذر را به تبلیغ دین در قبیله خویش تا هجرت به مدینه، مأمور کرد؛ اما وی پیش از بازگشت در میان خفقان مشرکان، شعار توحید سر داد و با ضرب و شتم شدید آنان روبه‌رو شد.^{۱۷} سپس به دیار خویش رفت. با تلاش او نیمی از بنی‌غفار تا پیش از هجرت به مدینه و نیم دیگر پس از هجرت مسلمان شدند.^{۱۸} بر پایه برخی گزارش‌ها، در این مدت و احتمالاً هماهنگ با سیاست پیامبر در ایجاد ناامنی برای کاروان‌های تجاری قریش، ابوذر در محلی به

۱. المغازی، ج ۲، ص ۸۱۹؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۶۷.
 ۲. سبل الهدی، ج ۵، ص ۳۱۳.
 ۳. الطبقات، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۲۵۷.
 ۴. الانساب، ج ۱۰، ص ۶۴؛ المعالم الاثیره، ص ۹۹.
 ۵. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۶۰؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۲۶۳.
 ۶. الکافی، ج ۸، ص ۲۹۷.
 ۷. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۷.
 ۸. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۳۶۰؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۶۸.
 ۹. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۴۹؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۲۴.
 ۱۰. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۹؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۵۷.
 ۱۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۳۵.
 ۱۳. المستدرک، ج ۳، ص ۳۳۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۲۷.
 ۱۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۹۷.
 ۱۵. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۹؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۵۵.
 ۱۶. تاریخ دمشق، ج ۶۶، ص ۱۷۶؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۵۷.
 ۱۷. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۰؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۱۷.
 ۱۸. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۹.

پیامبر به صورت غیابی برای او، مانند جعفر طیار، برادری برگزیده است.^{۱۰} برخی محققان با تکیه بر شواهد و ادله بر این باورند که پیمان برادری او با سلمان بوده است.^{۱۱} او تا پایان حیات پیامبر ﷺ با ایشان همراه بود.^{۱۲} در شب زنده‌داری می‌کوشید. همگام با برخی مسلمانان، پس از نزول آیه ۱۷ ذاریات/۵۱: ﴿كَأَنُورًا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ بر خود سخت می‌گرفت و از شدت خستگی با تکیه بر عصا نماز می‌گزارد و تنها اندکی از شب را به استراحت می‌پرداخت. با نزول آیه ۲۰ مزمل/۷۳ از عنایت خاص خداوند به آنان یاد گشت و برای استراحت بیشتر به آنان رخصت داده شد.^{۱۳} به نقل ابن عباس، مقصود از ﴿طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ﴾ (مزمل/۷۳، ۲۰) امام علی ﷺ و ابوذر هستند که مانند پیامبر ﷺ نزدیک به دو سوم یا یک نیمه و یا یک سوم شب را به بیداری و عبادت می‌گذرانند.^{۱۴}

در غزوه ذات الرقاع به سال چهارم ق.^{۱۵}، بنی‌مصطلق به سال ششم ق.^{۱۶} و عمره القضاء

نام «ثبه غزال»، کاروان‌های تجاری قریش را تهدید می‌کرد و تنها پس از گفتن شهادتین، اموالشان را بازپس می‌داد.^۱ وی پس از جنگ اُحُد یا خندق^۲ به مدینه رفت و چون سکونت گاهی نداشت، در مکانی به نام صَفَه^۳ در قسمت شمالی مسجد پیامبر اقامت گزید.^۴ ذیل آیات ۲۷-۲۸ کهف/۱۸ نقل شده که عده‌ای از همنشینی با صحابه تهیدست مانند ابوذر پرهیز می‌کردند و از پیامبر خواستند تا از فقیران دوری کند. اما این آیات، آن اصحاب تهیدست را کسانی دانست که هر صبح و شام خدا را خالصانه یاد می‌کنند و پیامبر را به همراهی با آنان فرمان داد و از پذیرش پیشنهاد اشراف بازداشت.^۵ ابوذر در سال اول که پیمان برادری برقرار شد، در مدینه حضور نداشت؛^۶ اما کسانی مانند عبدالله بن مسعود، هلال مولى مغیره بن شعبه^۷، سلمان^۸ و منذر بن عمرو^۹ را برادر او یاد کرده‌اند. می‌توان حدس زد که

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۷-۱۶۸؛ انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

۲. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۸؛ ج ۳، ص ۴۱۹؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۴. جامع البیان، ج ۱۵، ص ۲۹۴؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۷۹.

۵. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۰؛ ج ۳، ص ۴۱۹.

۶. اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۶۳؛ مناقب، ج ۲، ص ۲۲.

۷. الأحاد و المثنی، ج ۲، ص ۹۲؛ تاریخ دمشق، ج ۱۹، ص ۴۱۷.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۱؛ ج ۸، ص ۱۶۲.

۹. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰۶؛ المنتظم، ج ۳، ص ۷۶.

۱۰. المنتظم، ج ۳، ص ۷۲؛ السیرة الحلبیه، ج ۲، ص ۲۹۳.

۱۱. الصحیح من سیرة النبی، ج ۴، ص ۲۴۲-۲۴۴.

۱۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۳. تفسیر قرطبی، ج ۱۸، ص ۳۶؛ الدر المنثور، ج ۹، ص ۱۱۳؛ روح

المعانی، ج ۱۴، ص ۹.

۱۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۵.

۱۵. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۱۶. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۲۸۹.

به سال هفتم ق.^۱ و بر پایه گزارشی، در فتح مکه و حنین به سال هشتم ق.^۲ امامت جماعت مدینه و جانشینی پیامبر ﷺ را بر عهده داشت. اما برخی او را پرچمدار بنی غفار در این دو جنگ دانسته‌اند.^۳ ابوذر در جنگ تبوک به سال نهم ق. حضور داشت؛ ولی به سبب ضعف مرکب، با تأخیر و پیاده به حضور پیامبر ﷺ رسید.^۴ در این حال، پیامبر ﷺ از زندگی و مرگ او در تنهایی یاد کرد و او را کسی دانست که تنها وارد بهشت خواهد شد.^۵

◀ **ابوذر در روزگار خلفا:** با رحلت پیامبر گرامی ﷺ وی بر امامت علی رضی الله عنه ثابت قدم ماند و به تعبیر امام صادق رضی الله عنه از اندک کسانی بود که بر فرمان رسول خدا استواری ورزیدند.^۶ او تا پایان عمر دیگران را به همین ثبات قدم سفارش کرد.^۷ از این رو، به ابوبکر به سبب غضب خلافت اعتراض نمود^۸ و همراه برخی دیگر از بزرگان صحابه، از علی رضی الله عنه خواست تا برای گرفتن حق خود برپا خیزد.

وی در خطبه‌ای که در حضور ابوبکر، عمر، مهاجران و انصار خواند، بر حقانیت علی رضی الله عنه تأکید کرد.^۹ همین رابطه با خاندان پیامبر ﷺ و علی رضی الله عنه، او را در جمع کم‌شمار تشیع‌کنندگان حضرت فاطمه رضی الله عنها قرار داد.^{۱۰}

از زندگی ابوذر در زمان خلافت ابوبکر، چندان آگاهی در دست نیست. در دوره عمر یکی از چهار نفری بود که به رغم عدم حضور در بدر، به سبب ارجمندی‌اش، در تقسیم دیوان در کنار بدریان قرار گرفت.^{۱۱} پس از مرگ ابوبکر به شام رفت و آنجا سکنه گزید.^{۱۲} به سال ۱۹ ق. در فتح مصر به فرماندهی عمرو بن عاص شرکت کرد و گویا قصد اقامت در آنجا را داشت^{۱۳}؛ اما به شام بازگشت و در یکی از جنگ‌های تابستانی معاویه، نبرد عموریه، در سال ۲۳ ق. حضور یافت.^{۱۴} در زمان خلافت عثمان، همچنان در شام ماند و در فتح قبرس به دست معاویه به سال ۲۷ یا ۲۸ ق. حضور داشت.^{۱۵} او که در زمان عثمان، نفوذ اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی را در جامعه اسلامی و حتی یاران پیامبر شاهد

۱. مناقب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. مناقب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. المغازی، ج ۲، ص ۸۱۹؛ ج ۳، ص ۸۹۶.

۴. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۰۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۲۵.

۵. المستدرک، ج ۳، ص ۵۱؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۹۹؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۹۸.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ رجال کشی، ج ۱، ص ۲۷.

۷. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۶.

۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۶.

۹. الخصال، ج ۲، ص ۴۶۱، ۴۶۳.

۱۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۱۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۹.

۱۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۳. المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۴۸.

۱۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۴.

۱۵. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵.

لازم شمرد.^۲ این که برخی آرای ابوذر را حاصل اجتهاد او دانسته و ضرورت انفاق تمام ثروت‌های زاید بر انفاق واجب را به او نسبت داده‌اند، سخنی درست نیست. او اقرار داشت که این سخنان را از پیامبر شنیده است.^۳ برخی محققان با بررسی دقیق این موضوع و با ادله تاریخی ثابت کرده‌اند که رأی و نظر ابوذر با دیگر صحابه هیچ‌گونه تضادی نداشت و اتهاماتی که به وی وارد شده، برای تبرئه هیئت حاکمه وقت از فساد و تباه کردن بیت المال بوده است.^۴

ابوذر از آنان که مقام سیاسی را برای ثروت‌اندوزی می‌پذیرفتند، دوری می‌گزید. از این رو، آن‌گاه که ابوموسی‌اشعری، از کارگزاران عثمان در عراق، او را «برادر» خطاب کرد، وی را از تکرار این سخن بازداشت و برادری خود با ابوموسی را تا پیش از زمان خدمت در خلافت عثمان دانست.^۵ و آن‌گاه که ابوهریره که او نیز سیمتی را پذیرفته بود، ادعا کرد که در زمان مسئولیتش ثروتی نیندوخته، او را برادر خود دانست.^۶

اعتراض او به عثمان و پافشاری بر حقیقت

بود و دست‌اندازی بنی‌امیه را به عنوان خویشان خلیفه بر بیت المال می‌دید، به این پلیدی‌ها اعتراض می‌کرد. اختلاف او با معاویه و خلیفه سوم نیز به چگونگی استفاده آنان از بیت المال ارتباط داشت. وی معتقد بود که نیمه دوم آیه ۳۴ توبه / ۹: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْرِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ به اهل کتاب اختصاص ندارد؛ بلکه همه کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذاب الهی تهدید شده‌اند. او حاکمان را به اصلاح شئون زندگی مردم و بهره‌مندی همه طبقات از بیت المال توصیه می‌کرد. از این رو، به کاخ‌سازی معاویه در شام اعتراض نمود و آیه کثر را برای او خواند. این اعتراض به هتک حرمت او از طرف معاویه و بازداری مردم از همنشینی با وی و سرانجام به بهانه فسادانگیزی در جامعه، به اخراج خشونت‌بار او به سوی مدینه انجامید.^۱

ابوذر در مدینه هم ساکت ننشست. وی در مواجهه با عثمان بن عفان، با انتقاد از وضع اجتماعی جامعه اسلامی، نیکی به همسایه و پیوند با خویشان را در کنار پرداخت زکات

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۳۶.

۳. المیزان، ج ۹، ص ۲۵۹؛ نمونه، ج ۷، ص ۴۰۰.

۴. ابوذر مسلمان یا سوسیالیست، ص ۱۴.

۵. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۴.

۶. تاریخ دمشق، ج ۶۶، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۲.

دینداری و پارسایی، موجب تبعیدش به ربذه* شد؛ جایی که آن را هیچ خوش نداشت.^۱ هنگام تبعید وی به ربذه، عثمان همگان را از همراهی و بدرقه او نهی کرد. اما امام علی، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و عقیل و عمار او را بدرقه کردند و در تأیید رویکرد او و برای همدردی با وی سخن گفتند. امام علی علیه السلام خشم ابوذر بر حاکمان را خشمی مقدس و برای دین و سبب تبعید او را احساس خطر از روشنگری هایش دانست.^۲ این اجتماع باعث درگیری اندک با مروان شد که مأمور اخراج ابوذر بود و به این همراهان اعتراض کرد. عثمان امام علی علیه السلام را به سبب فرمان نبرد از او و درگیری با مروان تویخ نمود.^۳ درگیری ابوذر با عثمان و تبعیدش را ریشه ناخشنودی قبیله بنی غفار و هم‌پیمانانش از عثمان دانسته‌اند.^۴ حاکم بودن جوّ عثمانیگری در دوران بنی‌امیه تا سده دوم باعث شد تا بسیاری از راویان وابسته به اکثریت حاکم، در تلاشی هماهنگ سخن تند ابوذر را موجب اخراج وی از مدینه و به مصلحت خود او و اصحاب و نیز دین بدانند و با همین رویکرد، اقامت ابوذر در ربذه را به خواست خود وی و

اعتراضش به عثمان را نادرست جلوه دهند؛^۵ با این توجیه که او تنهایی را دوست می‌داشت و فقط برای گریز از اعرابی شدن که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بد شمرده بود، به مدینه رفت و آمد داشت.^۶ اما بیشتر مورخان، به استناد داده‌های تاریخی^۷، اقامت ابوذر در آن‌جا را ناچاری و طبق تصمیم عثمان دانسته، معتقدند برخلاف خواست ابوذر که می‌خواست به مکه، بصره یا شام برود، وی را به ربذه تبعید کردند. بدین روی، رفتار خشم‌آلود عثمان با صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله را به نقد می‌کشند.^۸

◀ ویژگی‌های شخصیتی ابوذر: امام

علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله ابوذر را راستگوترین انسان‌ها خوانده است.^۹ شاید این سخن پیامبر موجب شد تا صداقت ابوذر میان عرب ضرب‌المثل شود.^{۱۰} پیامبر بدو علاقه داشت و او را از حواریان خود دانست^{۱۱} و فرمود که بهشت در اشتیاق دیدار اوست.^{۱۲} نیز وی را یکی از چهار کسی شمرد که خداوند

۵. الکامل، ج ۳، ص ۱۱۵؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ق ۲، ص ۱۳۹.

۶. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۳۶.

۷. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۸. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ الشافی، ج ۴، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۹. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۲؛ الامالی، طوسی، ص ۷۱۰؛ بحار الانوار،

ج ۲۲، ص ۴۱۷.

۱۰. العقد الفرید، ج ۳، ص ۷۰.

۱۱. الاختصاص، ص ۶۱.

۱۲. الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۳۶؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۱.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۶.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۵۲-۲۵۳.

۴. انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۳۴.

ابوذر سرانجام در ریزه، از منزلگاه‌های کاروان‌های حج در طول تاریخ^۹، در تنهایی و سختی همان‌گونه که پیامبر ﷺ خبر داده بود^{۱۰}، در کنار همسر یا تنها دخترش به سال ۳۲ق. در گذشت^{۱۱} و به دست کاروانی که از عراق می‌آمد و ابن مسعود و تنی چند از اصحاب آن را همراهی می‌کردند^{۱۲}، تجهیز شد. مالک اشتر بر او نماز گزارد^{۱۳} و وی را همان جا به خاک سپردند.^{۱۴} اکنون اثری از مدفن وی نیست.^{۱۵} پیشتر مسجدی به نام ابوذر بوده که گویا قبرش همان جا قرار داشته است.^{۱۶} زیارت وی در ریزه از مستحبات شمرده شده است.^{۱۷} از او نسلی نمانده است.^{۱۸}

در برخی منابع کتابی با عنوان خطبه به ابوذر نسبت داده شده که حاوی شرح

۹. نک: الاخبار الطوال، ص ۳۸۵؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۴؛ المنتظم، ج ۱۱، ص ۳۲۰.
۱۰. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۰۱.
۱۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۵۴.
۱۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۵۴.
۱۳. رجال کشی، ج ۱، ص ۲۸۲.
۱۴. المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۲۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ البلدان، ج ۳، ص ۲۴.
۱۵. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۱، «ریزه»؛ اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۵.
۱۶. المناسک، ص ۳۲۷.
۱۷. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۲؛ ج ۹۹، ص ۲۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۰۳.
۱۸. جمهرة انساب العرب، ص ۱۸۶.

او را فرمان داده تا آنان را دوست بدارد.^۱ هرگاه نزد پیامبر همراه گروهی حضور می‌یافت، ایشان وی را نزدیک‌تر از دیگر صحابه کنار خود جای می‌داد و در سخن گفتن به او رو می‌کرد. اگر او در جمع حاضر نبود، پیامبر از او خبر می‌گرفت.^۲ حتی گاه او را بر مرکب خود، پشت سر سوار می‌کرد.^۳

زهد و پارسایی ابوذر موجب شد که پیامبر وی را به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام تشبیه کند.^۴ او در زندگی به حداقل ممکن قناعت می‌کرد و حتی از کسی هدیه نمی‌پذیرفت.^۵ وی در حق‌گویی سرآمد بود؛ چنان که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام او را همچون خود از کسانی می‌دانست که در راه خدا از سرزنش مردم نمی‌هراسند^۶ و این بر پایه پیمان‌ش با پیامبر بود.^۷ از این رو، هرگز از بیان حق باز نایستاد و هنگامی که دستور خلیفه برای منع فتوا را به او ابلاغ کردند، سوگند یاد کرد که آنچه را از پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام شنیده، بیان خواهد کرد، گر چه خنجری بر حلق او نهند.^۸

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۳۵۶؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۵۳؛ الامالی، مفید، ص ۱۲۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۸۳.
۲. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۳۰؛ الاصابه، ج ۷، ص ۱۰۷؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۳۱۱.
۳. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۲.
۴. المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۵۵.
۵. المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۵۰.
۶. الطبقات، ج ۴، ص ۱۷۵.
۷. المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۲۶.
۸. الطبقات، ج ۲، ص ۲۷۰.

رخدادهای پس از پیامبر ﷺ است.^۱ ده‌ها حدیث از پیامبر گرامی ﷺ به روایت او به ثبت رسیده است. احمد بن حنبل و سیوطی بسیاری از این احادیث را نقل کرده‌اند.^۲ از جمله روایتی که در آن آمده است: حفص بن معتمر، ابوذر را در کنار کعبه ملاقات کرد، در حالی که در کعبه را گرفته بود و ضمن معرفی خود، روایت معروف سفینه را از پیامبر نقل کرد که اهل بیت خود را مانند کشتی نوح دانست و مردم را به پیروی از آنان سفارش کرد^۳ و نیز این روایت که پیامبر گرامی ﷺ مسجد الحرام را نخستین مسجد روی زمین خواند که مسجد الاقصی ۴۰ سال پس از آن بنا شده است.^۴ نیز حدیث مشهور به «حدیث ابوذر» را روایت نموده که پیامبر ﷺ ثواب نماز گزاردن در مسجد النبی و مسجد الحرام را برابر ۱۰۰/۰۰۰ نماز در دیگر مساجد خواند.^۵

در شمال شهر مدینه، در خیابان ابوذر در ۵۰۰ متری شمال مسجد النبی مسجدی به نام ابوذر دیده می‌شود که به نام بحیر و سجده نیز معروف است.^۶

◀ منابع

الآحاد و المثانی: ابن ابی عاصم (م. ۲۸۷ق.)، به کوشش فیصل، ریاض، دار الدریه، ۱۴۱۱ق؛ ابوذر مسلمان یا سوسیالیست: جعفر مرتضی عاملی، به کوشش مرتضی عاملی، ۱۳۶۱ش؛ الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ الاخبار الطوال: ابن داود السیئوری (م. ۲۸۲ق.)، به کوشش عبدالمنعم، قم، الرضی، ۱۴۱۲ق؛ الاختصاص: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش غفاری و زرنیدی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ اعلام الوری: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ق؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ الامالی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق؛ الامالی: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش غفاری و استاد ولی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ الانساب: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر:

۱. الفهرست، ص ۹۵؛ معالم العلماء، ص ۶۸.

۲. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۴-۱۸۱.

۳. المعارف، ص ۲۵۲؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۴. امتاع الاسماع، ج ۸، ص ۱۹۷، «پاورقی».

۵. الامالی، طوسی، ص ۵۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۶. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۵۳؛ الدر الثمین، ص ۱۷۰.

الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ **تاریخ المدینة المنوره**: ابن شبة النمیری (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)**: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، علمی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ مدینة دمشق**: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **تاریخ یعقوبی**: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم)**: ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به کوشش اسعد محمد، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق؛ **تفسیر القمی**: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ **تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)**: القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **جامع البیان: الطبری** (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **جمهرة انساب العرب**: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الكتاب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **جواهر الکلام: التجسی** (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الخرائج و الجرائح**: الراوندی (م. ۵۷۳ق.)، قم، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام؛ **الخصال: الصدوق** (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **الدر الثمین فی معالم دار الرسول الامین عليه السلام**: محمد الامین الشنقیطی، جده، دار القبله، ۱۴۱۳ق؛ **الدر المنثور: السيوطی** (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ **رجال کشی (اختیار معرفة الرجال)**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش میرداماد و رجائی، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ق؛ **روح المعانی: الؤوسی** (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **روضه الواعظین: الفتال النیشابوری** (م. ۵۰۸ق.)، به کوشش سید محمد

مهدی، قم، الرضی؛ **زاد المسیر: ابن جوزی** (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۲۲ق؛ **سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی** (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **السیرة الحلبیه: الحلبي** (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ **السیرة النبویه: ابن هشام** (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ **الشافی فی الامامه: السيد المرتضی** (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حسینی، تهران، مؤسسة الصادق عليه السلام، ۱۴۱۰ق؛ **شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید** (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ **شواهد التنزیل: الحاکم الحسکانی** (م. ۵۰۶ق.)، به کوشش محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **صحیح مسلم: مسلم** (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **الصحیح من سیرة النبی عليه السلام**: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الكبرى: ابن سعد** (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **العقد الفرید: احمد ابن عبد ربه** (م. ۳۲۸ق.)، به کوشش الیاری، بیروت، دار الكتاب العربی؛ **الفهرست: الطوسی** (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش القیومی، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق؛ **الکافی: کلینی** (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری** (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **کنز العمال: المتقی الهندی** (م. ۹۷۵ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ **مجمع البحرین: الطریحی** (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ **مجمع البیان: الطبرسی** (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مجمع الزوائد: الهیثمی** (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۲ق؛ **مروج الذهب:**

ابورغال: راهنمای اصحاب فیل هنگام

حمله به مکه

از نام و زندگی ابورغال چندان آگاهی در دست نیست. بر پایه گزارشی، آن گاه که ابرهه* ۴۰ سال پیش از بعثت یا ۵۵ روز پیش از ولادت پیامبر گرامی ﷺ برای ویران کردن کعبه به مکه لشکر کشید، در راه به طائف رسید و از اهالی این شهر خواست تا راهنمایی در اختیار او بگذارند و آنان ابورغال، از غلامان طائف، را در اختیار او نهادند.^۱ گویند: او در همین سفر در مُعَمَّس، دو میلی غُمَیر، جایی میان ذات عرق یعنی میقات عراقیان، و بستان^۲ در گذشت. قبری که مردم در مُعَمَّس بدان سنگ می زنند، قبر اوست.^۳ سنگ زدن به قبر او به صورت سنت در آمده^۴ و در اشعار^۵ و امثال عرب شهرت یافته است.^۶ ابن اسحاق بی آن که از ابورغال یاد کند، نام راهنمای ابرهه را نفیل دانسته است.^۷

المسعودی (م. ۳۴۶ ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق؛ المسند ترک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ق.)، بیروت، دار صادر؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۳۷۶ ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ ش؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۱ ق؛ معالم العلماء: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ق.)، قم؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م؛ المعجم الکبیر: الطبرانی (م. ۳۶۰ ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ معجم قبائل العرب: عمر کخاله، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ ق؛ مکاتیب الرسول: احمدی میانجی، تهران، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق؛ المناسک و اماکن طرق الحج: ابراهیم بن اسحاق الحریری (م. ۲۸۵ ق.)، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، ۱۴۰۱ ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ ق؛ نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۲ ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶ م.

سید علی رضا واسعی



۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۵۲؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۶۱؛ سبل الهدی، ج ۱، ص ۲۱۷.
۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۱۳؛ المفصل، ج ۷، ص ۳۴۳؛ المعالم الاثیره، ص ۲۲۲.
۳. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۳۸۷.
۴. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۳۸۷؛ تفسیر سمعانی، ج ۶، ص ۲۸۳.
۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱؛ الاغانی، ج ۴، ص ۲۹۹.
۶. البداية و النهایه، ج ۲، ص ۲۱۳؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۱.
۷. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۴؛ المحلی، ج ۹، ص ۳۵۱.
۸. سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۳۸.